

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش نوزدهم

۳۰ مارچ ۲۰۱۴

وحدت کمونیست ها در مبارزه بر ضد فاشیسم

رژیم فاشیست در البانی دستخوش تزلزل بسیار گشته بود و وارد دورانی می شد که بحران سیاسی روز به روز وخیم تری با خود داشت. یکی از علائم بحران مذکور عجز رژیم از خاموش کردن جنبش توده‌ئی ضد فاشیستی بود. در بهار ۱۹۴۱ پارتیزان ها که «مسلم پزای» میهن پرست در رأس آنها قرار داشت به عملیات مسلحانه علیه اشغالگران فاشیست دست زدند. در برابر دستبرد هائی که پارتیزان های مذکور در ماه مارچ و مه ترتیب دادند اشغالگران به نخستین عملیات تنبیهی در «پزه» متوسل شدند. فرار گروه گروه سربازان البانی از واحد های نظامی که از البانی ها تشکیل می شد صفوف واحد های مذکور را تنگتر کرد. در ماه مه کینه خلق نسبت به ستمگران بیگانه در اقدام پر آوازه ای تجلی یافت: جوانی به نام «وازین للاجی» در وسط تیرانا به ترور پادشاه ایتالیا ویکتور امناول سوم که به دیدار رسمی از البانی آمده بود، مبادرت جست.

وضع انقلابی در البانی روز به روز بیشتر نضج می یافت. اشغالگران فاشیست بر اعمال فشار می افزودند. هزاران میهن پرست دستگیر و زندانی شدند. بخشی از این میهن پرستان برای گریز از تعقیبات پولیسی و یا از سربازگیری اجباری رهسپار کوهستان ها می گشتند و از آنجا به طور انفرادی و یا به صورت گروه های کوچک مسلح به دستبرد دشمن می پرداختند.

انور خوجه و رفقایش با توجه به اهمیت جنگ پارتیزانی میهن پرستانه «پزا» تصمیم گرفتند عده ای از کمونیست ها را بفرستند تا جنبه متشکل به آن کار بدهند و آگاهی سیاسی جنگجویان را بالا ببرند. پس از ملاقات هائی که بین انور خوجه و مسلم پزا روی داد شخص اخیر با شور و شوق پذیرفت که کمونیست ها برای تقویت واحد های پارتیزانی او بروند. تصمیم کمونیست ها مبنی بر این که عازم کوهستان شوند و جنبش رهائیبخش ملی را در آنجا سازمان داده

گسترش بخشند آغاز مرحله جدیدی در فعالیت آنان بود. در اینجا نیز کمونیست ها ابتکار را در دست گرفته به سازمان دادن جنبش ضد فاشیستی مسلح در سایر نواحی کشور پرداختند.

کار تبلیغاتی کمونیست ها در توده های مردم وسعت بسیار یافت. علاوه بر تهییج انفرادی، انتشار تراکت ها و اعلامیه ها که نخست به شهر ها و سپس در روستا ها آغاز شد به مثابه شکلی از ارتباط کمونیست ها با توده ها نقش مهمی بازی کرد. برخی از این نوشته ها شعار هائی را اعلام می داشت که از لحاظ سیاسی نادرست بود از این قبیل: «برای البانی شوروی!»، «برای البانی کمونیستی!»، «برای تشکیل ارتش سرخ البانی!» و از ارزیابی نادرست وضع موجود در البانی سرچشمه می گرفت.

اعتلای جنبش و اصرار کمونیست ها در مطالبه وحدت، گروه کورچا و گروه اشکودرا را بر انگیخت که بار دیگر در صدد برقراری همکاری بین یک دیگر بر آیند. طرفین به خاطر صلح داخلی به منظور این که فعالیت ضد فاشیستی خویش را با یک دیگر هماهنگ سازند یک «کمیسیون حکمیت» به عنوان نخستین قدم در راه وحدت کامل به وجود آوردند. ولی این تشبث هم به نتیجه رضایت بخشی نرسید.

از طرف دیگر شعبه گروه کورچا در تیرانا به فعالیت وسیعی در صفوف کمونیست ها و محافل ناسیونالیست میهن پرست دست زد و با آنها روابط محکمی بر قرار ساخت. انور خوجه که آرزوی سوزانی به تحقق هر چه زودتر وحدت کمونیست ها در حزب واحد داشت در برابر مشکلات تازه ای که دسائس فاشیونیستی «جوانان» و «زژاریست ها» (اعضای گروه «زژاری») پیش آورده بود عقب نشست و در ضمن کوشش خویش با دو تن از مبارزان برجسته گروه اشکودرا، وازیل شانتو و کمال استافا، زبان مشترک پیدا کرد. شعبه تیرانا که انور خوجه در رأس آن قرار داشت به تدریج به صورت مرکز سازمانده واقعی تمام جنبش کمونیستی و ضد فاشیستی البانی در آمد و کمونیست های ثابت قدم گروه های مختلف را به دور خویش گرد آورد. این افراد پایه حزب کمونیستی را که در حال ایجاد بود، تشکیل می دادند.

در موقعی که مقاومت ضد فاشیستی خلق البانی روز به روز بیشتر می شد و جنبش نیرومند رهائی بخش ملی به رهبری کمونیست ها در سایر کشور های تحت اشغال فاشیسم رو به توسعه نهاده بود حادثه بسیار مهمی به وقوع پیوست که وضع سیاسی بین المللی را به کلی عوض کرد. روز ۲۴ جون ۱۹۴۱ آلمان هیتلری که قدرت نظامی خود را با استثمار منابع اقتصادی و انسانی کشور های اسیر و متحدان و دست نشانندگان خود افزایش بسیار داده بود خانمانه بر اتحاد شوروی حمله ور گردید. امپریالیسم آلمان تصمیم داشت نخستین کشور سوسیالیستی را از پای در آورد. هیتلر، سرمست از کامیابی های آسانی که در اروپای غربی و در بالکان به دست آورده بود، امید داشت که به سرعت بر اتحاد شوروی پیروز شود.

خلق شوروی به رهبری حزب کمونیست، و در رأس آن ستالین، مانند تن واحد به جنگ کبیر میهنی برخاست تا از آزادی و استقلال میهن سوسیالیستی دفاع کند. این جنگ عادلانه مرحله تازه ای در جنگ دوم جهانی گشود، خصلت ضد فاشیستی مبارزه رهائی بخش خلق ها را علیه بلوک فاشیستی تقویت کرد و مبانی وحدت کلیه نیرو های ضد فاشیستی جهان را در جبهه واحد به وجود آورد.

جنگ میان اتحاد شوروی و آلمان هیتلری جنگ مرگ و زندگی بین سوسیالیسم و فاشیسم بود. توده های استثمار زده در سراسر جهان مستقیماً در پیروزی اتحاد شوروی بر ارتجاع فاشیستی بین المللی ذینفع بودند. خلق های کشور های اسیر، به حق، اتحاد شوروی را تضمین این امر می دانستند که جنگ ضد فاشیستی به پیروزی نهائی برسد و به رهائی آنها از اشغالگران فاشیست بینجامد. دولت های دو کشور سرمایه داری بزرگ - انگلستان و امریکا- در برابر دشمنی به خطرناکی آلمان هیتلری و تحت فشار روز افزون خلق های خویش که خواستار تشکیل ائتلاف نیرومند ضد فاشیستی

بودند، با اتحاد شوروی متحد شدند. به این طریق نقشه هیتلری دائر بر منفرد ساختن کشور شوراها با شکست روبه رو گردید. نیروی عمده در اتحاد بزرگ ضد فاشیستی، اتحاد شوروی بود که بدون او پیروزی بر دشمن غیر ممکن می شد. حمله عهد شکنانه فاشیستی بر خلق شوروی و آغاز جنگ کبیر میهنی، انعکاس عمیقی در البانی یافت. در همان حال که اشغالگران ایتالیایی که خود به اتحاد شوروی اعلان جنگ داده بودند و ارتجاع داخلی، هر دو سرمست از پیروزهای بدوی نازی ها، به نبرد تبلیغاتی دیوانه وار ضد شوروی و ضد کمونیستی می پرداختند توده های وسیع میهن پرست البانی تهاجم فاشیستی را با نفرت تلقی کردند.

عشق میهن پرستان البانی به اتحاد شوروی دارای علل تاریخی است. خلق البانی در نبرد دیرینه خویش به ضد ستمگران خارجی تقریباً همیشه تنها و بدون متحد بوده است. دول سرمایه داری نسبت به خلق البانی یا روش آشکارا دشمنانه ای داشته و یا خود را بدان منظور «دوست» وی خوانده اند که از پشت خنجر بزنند و وی را به انقیاد خود در آورند. فقط اتحاد شوروی بود که به دفاع از حقوق البانی برخاسته و صدای خود را به ضد اجحافات نسبت به وی بلند کرده بود. اتحاد شوروی که علیه فاشیسم وارد جنگ شد خلق البانی برای نخستین بار در تاریخ خویش دوست و هم‌رزم نیرومند و صدیقی داشت و مانند سایر خلق های ستمدیده تضمین محکمی به دست آورده که مسلماً بلوک فاشیستی در هم خواهد شکست.

انور خوجه گفته است: «مبارزه ما پس از ورود اتحاد شوروی به جنگ آغاز نشد. اما خلق ما پس از ورود اتحاد شوروی به جنگ دریافت که خونی که نثار می کند بیهوده نخواهد بود.»^۱

در شرایط جدیدی که در اثر تشکیل ائتلاف ضد فاشیستی خلق ها به پیشاهنگی اتحاد شوروی، حاصل شده بود کمونیست های البانی مسؤولیت بزرگ تاریخی بر دوش خویش احساس کردند، و آن این که هر چه زودتر با تشکیل حزب کمونیست که شرط اساسی سازماندهی، رهبری و گسترش مبارزه ضد فاشیستی رهائیبخش ملی است خلق البانی را از رهبری سیاسی برخوردار گردانند. راه دیگری وجود نداشت و هیچ کس جز کمونیست ها در آن شرایط تاریخی مشخص نمی توانست از عهده ایفای این وظیفه بر آید. در گروه های مختلف، کمونیست هائی که افکار انترناسیونالیستی سالمی داشتند کاملاً به این امر پی برده بودند. کمونیست های البانی، صرفنظر از اختلافات ایدئولوژیک که میان شان وجود داشت، همگی در عشق بی پایان به میهن خویش و به اتحاد شوروی وحدت داشتند. این احساسات مشترک به صورت عامل بسیار مهمی در نزدیکی آنها به یک دیگر و همکاری جدی با یک دیگر در آمد. به این طریق در نهضت کمونیستی نیز مرحله تازه ای آغاز شد.

آنگاه:

«... بیش از هر موقع و به ویژه در سطح پائین سازمان احساس شد که مبارزه بیشتر بین گروه ها صدمه عظیمی به نهضت کمونیستی وارد ساخته است و خاتمه دادن به این مبارزه و ایجاد شرایط ضروری برای وحدت نهضت در البانی، نیاز مبرمی است.»^۲

مبارزه به ضد فاشیسم که می بایست تأمین کننده وحدت کمونیست ها باشد به زودی دامنه وسیعی یافت. بهترین اعضای کلیه گروه ها در پیکار به ضد اشغالگران و خائنان به میهن به یک دیگر پیوستند. پس از تهاجم هیتلری بر اتحاد شوروی، حتی رهبران گروه اشکودرا که مدعی شده بودند که «کمونیست ها فقط وقتی که اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی درگیر شود باید به مبارزه دست بزنند»، نمی توانستند جلوی اراده مبارزه جویانه کمونیست های پائین سازمان را بگیرند. کمال استافاو و ازیل شانتهو که در مبارزه به انور خوجه پیوسته بودند اینک نقش درجه اول در گروه کمونیست اشکودرا بازی می کردند و مشی مبارزه ضد فاشیستی رهائیبخش ملی به صورت مشی مسلط در گروه مذکور در آمده

^۱ - انورخوجه. سخنرانی در جلسه هیأت رئیسه شورای عمومی رهائی ملی. در ۵ اپریل ۱۹۴۴. نقل از صورت جلسه. بایگانی مرکزی حزب.
^۲ قطعنامه کنفرانس گروه های کمونیست. اسناد عمده حزب کار البانی. جلد اول صفحه ۱۴ و ۱۵

بود. در رهنمود هائی که در آن دوره به امضای این گروه داده می شد این جمله به چشم می خورد: «شمائی که کشور خود را دوست دارید، به میان توده ها بروید، علاقه و مهر آنها را جلب کنید و آنها را برای جنبش ملی مسلح آماده سازید.»^۲

اتخاذ مشی سیاسی مشترک باعث شد که گروه کمونیست اشکودرا به گروه کورچا نزدیک شود و در اگست ۱۹۴۱ انعقاد موافقتنامه همکاری در امر سازماندهی مشترک یک سلسله عملیات ضد فاشیستی امکان پذیر گردد. بعداً گروه «جوانان» نیز به این موافقتنامه پیوست. ولی گروه «زژاری» به دعوت همکاری پاسخ نداد.

مهمترین اقدام ضد فاشیستی مشترک که به وسیله گروه ها به عمل آمد عبارت بود از نمایش بزرگ ضد فاشیستی ۲۸ اکتوبر ۱۹۴۱ در تیرانا به مناسبت جشن فاشیستی «مارش به سوی رم» این نمایش که سازمان دهنده عمده اش انور خوجه بود با شرکت توده های وسیع خلق صورت گرفت. فاشیست ها واکنش وحشیانه به خرج دادند. انور خوجه مورد تعقیب واقع شد و مجبور گردید مخفی شود. مقامات فاشیست او را غیباً محکوم به مرگ کردند. تظاهرات تیرانا محک و وحدت کمونیست های البانی بود، نیروی این وحدت را در آتش مبارزه به ضد فاشیسم آشکار ساخت و نشان داد که این وحدت چه اهمیت بزرگی در تجهیز توده های خلق در جنبش رهائیبخش ملی دارد.

پس از نمایش تیرانا در ۸ نومبر ۱۹۴۲ جنبش بزرگی نظیر آن به وسیله گروه های کمونیست در کورچا ترتیب داده شد که هدفش اعتراض بر توقیف های جمعی در پایتخت بود و به درگیری خونین با سربازان و پولیس فاشیست انجامید. در همینجا بود که کوچی باکو یکی از نخستین اعضای گروه کورچا به قتل رسید.

موفقیت سیاسی تظاهرات فوق، تأثیر بسیار در افکار عمومی کشور گذاشت. اعتبار کمونیست ها در بین مردم باز هم بیشتر شد. از طرف دیگر این موفقیت باعث وحشت عمیق مقامات فاشیستی اشغالگر گردید که می فهمیدند سر و کار شان با دشمنی است که روز به روز نیرو می گیرد و خطرناکتر می شود.

مبارزه کمونیست های البانی، سر انجام شرایط مساعدی برای تشکیل حزب آنها فراهم آورد. در درون گروه های کمونیست کادر های انقلابی حرفه ئی رشد یافته بودند که می توانستند برتر از اختلافات گروه ها قرار بگیرند و مصممانه مشی مبارزه بی امان به ضد اشغالگران فاشیست و خائنان به کشور را بر گزیده و بر این اساس برای وحدت نهضت کمونیستی البانی مبارزه کرده بودند. این کادر ها تشکیل حزب کمونیست البانی را با کار مداوم خود در زمینه ایدئولوژیک و سازمانی تدارک دیدند.

مبارزه ضد فاشیستی کمونیست های گروه های مختلف، پایه های سکتاریسم و روحیه گروهی را که تا آنزمان بر جا بود تکان داد. این مبارزه و ایدئولوژی مشترک کمونیست ها عامل قاطعی بود که گروه های مهم کمونیست را در اگست ۱۹۴۱ به توافق بر سر تشکیل جلسه ای از نمایندگان خویش رسانید که وظیفه اش عبارت باشد از حل مسأله ادغام گروه ها در یک دیگر و بنیاد گذاری حزب کمونیست البانی.

ادامه دارد...

^۳ رهنمود گروه اشکودرا به اعضای خویش. بایگانی مرکزی حزب.